هفته نامهء
اتحاد اسلامی
بیانگر آرمان اتحاد اسلامی افغانستان

شمارهء مسلسل(۳۱۰)سال دهم ـ شمارهء چهاردهم پنجشنبه (۲۹)میزان ۱۳۷۲ هـ ش (۲۱)اکتوبر ۱۹۹۳ میلادی (٦)جمادی الاولی ۱٤۱٤ هـ ق الاولی ۱٤۱٤ هـ ق

PROPERTY OF ACKU

په سروبی کی تراورېند وروسته آرامی ده

مینځگړو ډلو هڅی ګرندی کړی

دواړو خوا مولوی «حقانی» ته تحریری واك ورکړی

(۸) مخ

مجاهد ورور جنرال عبدالله خان :

● د وحدتیانو وروستنی برید د اهل سنت و الجماعت په ضد یو عمومی بغاوت و .

● د افغانستان اسلامی اتحاد نه بندیان لری او نه بندیخانی. (٤) مخ

بینظیر بوتو بحیث صدراعظم جدید پاکستان تعیین گردید .

د ر پارلمان بینظیر بوتو ۱۲۱ و نواز شریف ۷۲ رأی بدست آورد .

پاکستان ۱۹ اکتوبر :

بی نظیر بوتو رهبرحزب مردم پاکستان بحیث صدر اعظم جدید پاکستان تعیین شد.

خبرنگار جریده اتحاد اسلامی از شهر پشاور گزارش میدهدکه در نتیجه رأی گیری که در پارلمان صورت گرفت بی نظیر بوتو ۱۲۱ و نواز شریف ۷۲ رای بدست آورد.

خبر می افزاید درجریان رأی گیری که به تاریخ ۱۷ اکتوبر برای نطاق پارلمان و معاون آن صورت گرفت در آن نیز سید یوسف رضا گیلانی که مربوط حزب مردم پاکستان میباشد به اکثریت آراء بحیث نطاق پارلمان تعیین شد .

خبر در اخیرعلاوه میکند وزیراعلی چهار ایالت تا حال تعیین نشده است امید میرود که در چند روز آینده بخاطر تعیین آنها نیز در شورا های ایالتی رای گیری صورت بگیرد .

د ٥٤ فرقی قومندان تورن جنرال محمد امیر:

د ملی اسلامی اردو په جوړیدوکی باید ټول هغه ځواکونه سهیم وی چی حماسی ئی زیږولی او خپلی وینی ئی نذرانه کړیدی

(۳)مخ

سرمقاله

د جلال آباد اوربند ددښمن یوه بله توطئه خنثی کړه

د اسلام لرغونی دښمنان لا له پخوا څخه په دی هڅه کی و چی د مستشرقینو په گمارلو سره په اسلامی نړی کی د پرتو قومیتونو زاړه دودونه چی له اسلام سره بالکل منافات لری او جاهلی عنعنات دی د تش په نامه علمی تحقیقاتو په نوم راژوندی کړی او د رادیویی مرکو ،خطابو له لاری او همدارنگه دله ایزو ارتباطی وسایلو فرهنگی فعالیتونو او نورو عملی کارونو په وسیله قومی اصالتونه د تقدس تر سرحده ورسوی او هریو قومیت ته دا احساس پیداکړی چی گویا دوی په نړی کی تر نورو ملیتونو بر تر او لوړ ملیت دی ... ددی کار گټه داده چی هم دوی کولای شی چی په اسلامی نړی کی پراته قومیتونه یو د بلی سره په رقابت کی وغورځوی او هم د اسلام له اساسا تواو مبادیو څخه دوی لری وساتی ددغو دوو مقصدونو دترلاسه کولونه د اسلام دښمنانو ته دا فرصت ترلاسه کیږی چی سبکیل ملتونه خپل وروستی گزار ته آماه کړی او بی له کوم کشمکشه د هغوی منلی او په زړه پوری بادارشی .

په دی وروستیو کی د نړی حساسو مطبوعاتی ادارو د امریکا دجاسوسی سازمان C, I,A هغه پټه نقشه چی په خاصه توگه د آسیایی هیوادونو د قومی ویش اوتشکیلاتو لپاره کښنل شوی ، چاپ او خپور کړی چی د غوروړ دی د نقشی په هکله د امریکایی لوړ رتبه مقاماتو خیال دا سبودل شوی چی دامریکا د نوی نړیوال نظام د تطبیق په بهیرکی به یی د نړی په دی سیمی تطبیقوی چی دامریکا دا تثبث هم هماغه پخوانی هدف تعقیبوی او د استعمار د پخوانی استعماری زنځیر له کړیوڅخه یوه کړی ده ددی نقشی له افشا کیدونه مخکی « پیټر تامسن » د مجاهدینو لپاره د امریکا د متحده ایالاتو خاصه نماینده ، په پیښور کی یو خوځښت رامنځ ته کړی و جی دپلورل شوو عناصرو په مرسته د مهاجرینو او مجاهدینو په میشته کمپونو کی د مختلفو افغان قومیتونو او ملیتونو شوراگانی جوړی کړی او په اصطلاح له دی لاری دافغانستان کشاله هواره کړی .. دا پروسه د ملحد حکومت له ړنگیدو وروسته کله چی مجاهدین د

(۷)مخ

برخورد پولیس مصر با مسلمانان مبارز

در مصر بین پولیس آنکشور ومسلمانان مبارز برخورد شدیدی صورت گرفت که در نتیجهء آن چار تن بشمول دو پولیس کشته شدند.

پولیس مصر میگوید ایشان میخواستند خانه یی را تلاشی کنند که بالای شان فیر صورت گرفت و در نتیجهء زد و خورد طرفین دو نفر پولیس و یك مجاهد و یك فرد عادی کشته شدند .

قابل یاد آوری است که سلسلهء برخوردها بین مبارزین مسلمان مصر و قوای امنیتی آنکشور از مدتها باینسو ادامه دارد و درین برخورد ها تعداد زیادی از افراد بلند رتبهء حکومت مصر به قتل رسیده اند .

در سودان ، شورای حاکم نظامی منحل اعلان شد

خرطوم (ا،پ ، پ) ۱۷ اکتوبر :

در سودان شورای حاکم نظامی منحل اعلان شد و جنرال عمر حسن بشیر بحیث رئیس جمهور کشور تعیین گردید ، طبق اطلاعات شورای حاکم نظامی خود حکم انحلالش را صادر نموده و بمعرض تطبیق گذاشته است . این شوری قبل از تعیین رهبر جدید سودان با تشکیل کمیسیون علیحدهء نظامی اعلام داشت که قانون اساسی کشور دین مبین اسلام بوده وآزادی مذهب دراین کشور تضمین شده است . عمر حسن بشیر در ۳۰ جون ۱۹۸۹ طی کودتای نظامی زمام امور را به دست گرفت ودر راس شورای نه نفری نظامی به کار آغاز کرد .

انحلال شورای حاکم نظامی از طریق رادیو سودان بخش شد .

منبع می افزاید که شورای منحلهء نظامی اختیاراتش را به پارلمان و شورای وزیران تفویض نموده است .

در این شماره:

آیندهء روابط روسیه و افغانستان....۲
پیشهء مزاری همیشه خونخواری.....۲
د تورن جنرال محمد امیر سره مرکه...۳
دستی که دست دوست نگیرد شکسته به................۳
حیف است که شاهین شکار مگس شود ٤
د جنرال عبدالله خان سره مرکه.......٤
افریقا وعفریت استعمار غرب.......٤
ته په کوز ټاکال کی ناست یی هواگروی !...............٥
پیوند های تاریخی غزنه و لاهور..٥

اتحاد اسلامی
پنجشنبه (۲۹)میزان ۱۳۷۲ هـ ش (۲۱)اکتوبر ۱۹۹۳ میلادی (۶)جمادی الاولی ۱٤۱٤ هـ ق

پیشهء مزاری همیشه خونخواری

« ای هزاره ها تا جان به تن دارید بجنگید ، تا یك قطره خون در رگهای تان روان است ، بجنگید ... بجنگید زیرا در جنگ بقای تان است ، بکشید و بکشید و بکشید و باین ترتیب می توانید حقوق خودرا بدست بیاورید . »

این سخنانی است که عبدالعلی مزاری رهبر ملیشه های حزب وحدت به پیروان خویش قبل از اغاز یکی از جنگهایش گفته بود .

این سخنان آئینهء قد نمایی است که در آن چهرهء غیر انسانی ووحشی مزاری با تمامت اوصاف و علائم خونخواری آن هویدا می گردد و این سخنان جنگهای خونین و ماجرا جویی هایی را که او مستمرا و بدون وقفه براه می اندازد توجیه می نماید .

این سخنان شخصی است که سراپایش را عقده فرا گرفته و عنکبوت سیاه کینه و حقد بردلش تارهای کثیف خودرا تنیده است ، وی یگانه راه تسکین عقده هایش ، کشتن و ویران کردن و غارتگری را می داند و بدون جنگ و تباهکاری زندگی خودرا نا ممکن تصور می کند مزاری بروی چند دلیل مجبور است چنین سخنانی بزند و با آن آتش جنگ و فتنه را شعله و رنگهدارد ، نخست عقده های درونی خود اوست که هر آن در تنور سینه اش می جوشد و چون مواد مذاب آتش فشان بر زبانش جاری می شود و با ریختن به دلهای احساساتی و پر کینه و عقده اندود ملیشه های کشتمند ، ایشان را به خونریزی و خونخواری ترغیب می کند اینکه می گوئیم مزاری شخص عقده مندی است ، سخن گزافی نگفته ایم زیرا استعمار گران معمولا اشخاص عقده مند را که علیه ملت خود عقده و کینه دارند و به بیماری های خطرناك روانی دچار اند برای مزدوری خود بر می گزینند زیرا اینگونه اشخاص بخوبی می توانند افراد شریر ، جانی ، خائن و عقده مند را گرد خود جمع کنند و اهداف استعمار را پیاده سازند .. روسها تره کی ، امین ، ببرك و نجیب را که از اینگونه اشخاص بودند برگزیدند و آنها با گرد آوردن همهء جنایتگاران تحت پرچم خلق و پرچم ، برای روسها در ویران کردن کشور و قتل عام ملت ما خدمات ارزنده یی انجام دادند ، اگر چه نتوانستند هدف اصلی حکام کرملن را که بلع و هضم کشور مابود ، بر آورده سازند ... و اینك ایرانیها مزاری را که عقده ها و بیماری های روانی اش کمتر از تره کی ، امین ، ببرك ، نجیب نیست با این شناخت از وی برای چاکری و پیاده کردن اهداف شوم و غیر انسانی و غیر اسلامی خویش در کشور ما برگزیده اند و همهء ملیشه های کشتمند و مائویست هایی را که در بین اهل تشیع افغانستان نفوذ زیادی دارند ، تحت پرچم و قوماندهء وی گرد آورده اند و به جنگ و شرارت و خونخواری و خونریزی گماشته اند.

دو دیگر از دلائل این هرزه سرایی مزاری ، دستوری است که از طرف اربابان خارجی بوی داده می شود زیرا او برای این عمل پول می گیرد و اجوره دریافت می دارد .

مزاری و لوبابان ایرانی او می دانند که در شرایط فعلی افغانستان راه بدست آوردن حقوق نه کشتن و کشته شدن و خریدن دشمنی برای خود و دست بردن به اسلحه و براه انداختن وحشت و کشتار و غارت وویرانگری است ، بلکه یگانه راه ، برای این مقصد همانا راه تفاهم است اما مزاری وارباباں خارجی اش را با حقوق ملیت هزاره چه کار ، آنچه مهم است تطبیق و تنفیذ پلانهای اربابان خارجی است و راهی برای آن جز جنگ افروزی ووحشیگری و اختلال درامنیت و بهم زدن آرامش مردم وجود ندارد !

سه دیگر از این دلائل ، جنون خود خواهی و غرور و فرعون صفتی آقای مزاری است و همانگونه که هر طاغوت فرعون صفت خیلی مغرور و بلند پرواز می باشد و هزاران انسان را قربانی مقاصد شیطانی خویش می سازد ، مزاری نیز چنین راهی را می پیماید با این تفاوت که او این انسانهای بدبخت را نه قربانی خواسته ها واهداف خویش بلکه قربانی خواسته ها و اهداف اربابان خویش می سازد زیرا او چاکر بی اراده یی بیش نیست و خواست او همان خواست اربابان ایرانی وی است .

آیندهء روابط روسیه و افغانستان

چندی قبل اندری کوزیروف وزیر خارجهء روسیه از کابل دیدن نمود و بارئیس جمهور و صدر اعظم اسلامی افغانستان پیرامون پاره یی از مسائل مربوط به روابط دو کشور بخصوص مسئلهء اسیران روسی که در زمان حملهٔ شوروی به افغانستان توسط مجاهدین دستگیر شده اند ، گفتگو نمود اگر چه بعداز نابودی امپراطوری اتحاد شوروی پندار برین بود که دیگر ، کشورهای آسیای میانه از چنگال ماسکو آزاد شده اند و بعدازین روسیه در همسایگی ما قرار ندارد و روسها بعدازین فکر استعمار و اشغالگری و توسعه طلبی را از سر بدر کرده اند و دیگر با کشور های گرد و پیش و همسایگان خویش در صلح و صفا وامن و امان زندگی خواهند کرد و آنگونه که در وقت فرار شان از افغانستان تعهد سپردند ، برای همیشه اندیشهء مداخله در امور داخلی دیگران را ترك خواهند گفت.

اما دیری نگذشت که با گستردن دام دیگری بنام جرگهء کشورهای مشترك المنافع از طرف روسها و اسیر کردن مجدد کشورهای آسیای میانه دراین دام و کمك ماسکو به حاکمان کمونست این کشورها و تحکیم پایهء حکومت آنها و تحمیل شان بر ملت های مسلمان و مظلوم این سرزمینها و از همه مهمتر مداخلهء بیشرمانهء روسها در تاجکستان و ادعای وقیحانهء یلسین که سرحدات تاجکستان سرحدات جنوبی روسیه است ، ثابت شد که روسها همان گرگان خونخوار استعمارگر هستند که بودند و روسیهء یلسین بهمان اندازه استعمارگر ، توسعه طلب و خونخوار هست که روسیه بریجنف و ستالین و لینن بود و مبالغه نیست اگر بگوئیم یلسین تزاری است سرخ که هم خاصیت تزارها را دارد و هم عادت کمونستها را ، پس او وحشی تر و مکارتر از کمونستها و تزارها است .

بنابرین وقتیکه ملت مجاهد افغان و دولت اسلامی افغانستان بخواهند خطوط اساسی روابط آیندهء خود با روسیه را ترسیم کنند ، باید همهء این نکات را در نظر بگیرند ...

باید در نظر بگیرند که روسیهء امروزی عیناً همان روسیه کمونستی و تزاری است و تمام خواص استعماری و استکباری تزارها و کمونستها را بارث برده است و جرگهء باصطلاح کشورهای مشترك المنافع همان اتحاد شوروی سابق با تغییر نام است و همانگونه که در اتحاد شوروی ، روسها حاکم و سائر ملت ها محکوم بودند در این جرگهء استعماری نیز روسها آقایی خودرا تثبیت کرده و زنجیر غلامی را به پا وگردن دیگران بسته اند و گفتار و کردار شان بوضوح نشانگر آنست که میخواهند همچون گذشته نقش برادر بزرگتر را ادا کنند .

باید در نظر بگیرند که روسها درسی را که از شکست شان درافغانستان گرفته بودند، فراموش کرده اند و توبه یی را که از مداخله درامور دیگران نموده بودند ، شکسته اند .... باید در نظر بگیرند که روسها از توسعه طلبی و تجاوز گری منصرف نشده اند ... باید در نظر بگیرند که روسها همچون گذشته بلکه بیشتر از آن ، دشمن دین ووطن و ملت ما هستند و بمبارد وحشیانهٔ مناطق سرحدی در شمال کشور نشان داد که ایشان از هر فرصتی برای گرفتن انتقام شکست خود از ملت مااستفاده می کنند ..

باید در نظر بگیرند که کشور های آسیای میانه همچنان به زنجیر کمونزم که سر آن در دست حکام ماسکو است ، بسته اند .. و بالآخره باید در نظر بگیرند که نیروهای اشغالگر روسی در آنسوی سرحدات کشور ما تمرکز یافته اند و هنوز هم خودرا با ماهم سرحد می دانند و هنوز هم خطرات جدی از ایشان متوجهء کشور ما است .

اگر چه قاعدتاً می بایست نه تنها روابطی در بین افغانستان و روسیه وجود نمیداشت بلکه شعار مرگ بر روسیه تا سالیان درازی ورد زبان هر فرد ملت مجاهد ما می بود زیرا روسها در افغانستان مرتکب جنایات هولناکی شدند که تاجهان باقیست ، فراموش نمیگردد ... امریکائیها در ایران یك بر هزارم حصهء جنایاتی را که روسها در افغانستان انجام دادند ، مرتکب نشدند ولی هنوز روابط ایران با امریکا به حالت عادی بر نگشته است در حالیکه از فردای پیروزی انقلاب اسلامی درافغانستان جرائم وحشتناك و جنایات نا بخشودنی روسها و چاکران شان علیه ملت ما نا دیده گرفته شد و روسها و حتی مقامات مسئوول در دولت افغانستان ادعا کردند که این جنایات را اتحاد شوروی انجام داده و اتحاد شوروی امروز وجود ندارد لذا نمیتوان بار گناهان آنرا بدوش روسیه و یا سائر کشور های عضو جرگه مشترك المنافع انداخت !!

آیا اتحاد شوروی به آسمان پروازکرد ؟! آیا همین روسهانبودند که امپراطوری اتحاد شوروی این زندان بزرگ را ساخته و وظیفهء زندانبانی آنرا بدوش داشتند ؟! آیا جنرالها و عساکر روسی که در افغانستان جنگیدند همین حالا در قشله های عسکری روسیه مستقر نیستند و تعداد زیادی از آنها وظائف مهم نظامی و ملکی را در حکومت یلسین بعهده ندارند ؟!

اگر آن جنایات را اتحاد شوروی انجام داده است ومسئوولیت آن بدوش یلسین و کوزیروف نیست پس اینها چرا برای رهایی جنایتکاران جنگی مربوط به اتحاد شوروی که در اسارت مجاهدین بسر می برند ، اینقدر تلاش می ورزند و جان می کنند ؟؟!

واقعیت اینست که تنها نام اتحاد شوروی از بین رفته و روسها تنها در برابر حریف خود امریکا سر تسلیم خم کرده اند و بس ، اما در برابر ملتهای دیگر بخصوص ملتهای آسیای میانه وکشورهای همجوار وعامهء مسلمانان همان خرس خون آشامی هستندکه بودند!

در گذشته روابط روسها با کشورهای ضعیف و از آنجمله افغانستان روابط آقا وغلام بوده است واین روابط باعث آن میشد که روسها درامور داخلی کشورهای ضعیف مداخله کنند وسرمایه های آنهارا به غارت ببرند و درعوض فرزندان آنها را کمونست و فرمانبردار ماسکو تربیه نمایند و افغانستان ما بهترین مثال این حقیقت است ، اما اکنون که

ص(۶)

د ٥٤ فرقی قوموندان تورن جنرال محمد امیر:

● د ملی اسلامی اردو په جوړیدوکی باید ټول هغه ځواکونه سهیم وی چی حماسی ئی زیږولی او خپلی وینی ئی نذرانه کړیدی .

● د کمونستی او ملیشه ئی ځواکونو د موجودیت او جدیت عامل د مجاهدینو اختلاف دی .

● تاجك مهاجرین او مجاهدین زمونږ ورونه او افغانستان د هغوی خپل کور دی .

کابل د اتحاد اسلامی د اونیزی خبریال :

زموږ ددی گڼی میلمه د یو شهید ځوی د بل شهید ورور او د زرگونو شهیدانو د ارمان وارث نامتو مجاهد تورن جنرال محمد امیر چا چی د هیواد په شمال کی د کفر او کمونیزم په وړاندی د مقاومت د سمبول لقب گټلی او هم ئی په نظم ، اداره او دسپلین باندی دوست او دښمن معترف دی.

جنرال محمد امیر چی فعلاً په شمال کی اتحاد اسلامی دجبهاتو د عمومی مسئولیت تر اړخه د کندوز د ٥٤ فرقی قوموندانی هم په غاړه لری څو ورځی دمخه د ځینو تنظیمی او دولتی کارونو د اجراً لپاره کابل ته راغلی ؤ او د اتحاد سلامی د بهرنیو مطبوعاتو مسئول ته یی د روانو سیاسی او پوځی انکشافاتو په اړه معلومات ورکړی زموږ خبریال هم د موقع څخه په استفادی سره ددغی کتنی څخه لاندینی مطبوعاتی مرکه ترتیب کړی چی د درنو لوستونکو د لازیاتو معلوماتو په هیله یی وړاندی کوو (اداره)

پوښتنه : محترم تورن جنرال ورور محمد امیرتاسو دخپلو عسکری تجربو او د روان کړکیچن پوځی حالت په نظر کی نیولو سره د یوی ملی اسلامی اردو موجودیت ته اړتیا او د جوړښت کیفیت ئی څومره جدی او ضروری بولی ؟

ځواب : څرگنده خبره ده چی دهر ملك د مځکنی بشړتیا ، ملی وحدت او سیاسی استقلال لپاره د یوی متشکلی ، غښتلی او متحدی اردو موجودیت یو حیاتی عنصر بلکی د ولسونو د ژوندی پاتی کیدو او بقا بنسټیز اړخ دی .

زموږ اردو باید د جهادی اهدافو د ملی کیدو د اصل پربناً پرته له کوم سمتی ، ژبنی ، تنظیمی او سیمه ایزه امتیاز و احساسه جوړه شی اوټولو هغو جهتونو ، پرگنو او د لوټپلو ته پکی ځای ورکړل شی چی په تیر څوارلس کلن خونړی پړاوکی ئی وینی او خولی نذرانه کړی او د وارسا د تړون په ماتیدو کی ئی نه هیر یدونکی او همیشنی اتلوالی زیږولی دی موږ په دی نظریو چی د روانو پوځی ستونزو د حل لپاره باید داسی فرقی ، لواگانی،غونډونه او کنډکونه جوړشی چی یواځی او یواځی جهادی ځواکونو او دهغو خوا خوږوته پکی ځای ورکړل شوی وی.

موږ د اسلامی دولت په ټولو ارگانونو بالخصوص په وسله والو ځواکونو کی د کمونیزم د بقایا وو او پلورل شوو ملیشه وو او د بهر څخه د تغذیه شوو معلوم الحاله گروپونو د گډون سخت مخالف یواو دغه کار د اسلام ،هیواد او سولی په خیرنه بولو ، او یوځل بیا ټینگار کوم چی مسئولین باید په وسله والو قطعاتو کی دټولو جهادی ځواکونو گډون حتمی وگڼی او له پامه ئی و نه غورځوی .

پوښتنه : په داسی حال کی چی د هیواد شمالی پولی د روسی او تاجکی پوځی گواښ سره مخ دی او هلته اقتصادی او سیاسی ستونزی لکه د نور وولایاتو په څیرمخ په زیاتیدو دی، پوښتنه دا ده چی ایا داخبری رپوټونه حقیقت لری چی تاسو دتاجکی مجاهدینو سره نظامی او د مهاجرو سره انسانی مرستی کوی ؟او آیا تاسو د روسی بریدونو په ځواب کی تراوسه کوم عکس العمل ښودلی او کنه ؟

ځواب : تاجك مهاجرینو او مجاهدینو مشرانو په وار وار سره دا خبره رد کړی چی له هغوی سره هیح بهرنی اړخ هیڅ ډول پوځی مرسته نده کړی ، بلکی هغوی چی کله د دوشنبی ښارونیو او د نورو په گډون یی حکومت جوړ کړ نو هغوی ډیری زیاتی وسلی پخپلو ملگرو باندی وویشلی او بیائی د کمونستانو په ضد جگړو کی له هغی څخه استفاده وکړه .

ولی د مهاجرینو د کمك په رابطه باید ووایم چی په هغوی ظلم او تیری شوی عقیده او ناموس ئی په خطر کی وو او چی کله زمونږ خواته راغلل نو مونږ ورسره د خپلو محدودوامکاناتو په چوکاټ کی بشری مرستی کړی ځکه هغوی زمونږ د عقیدی ورونه دی او افغانستان د هغوی خپل کور دی .

او د پوښتنی د بل جهت په ځواب کی باید ووایم چی مونږ د هر روسی تاړاك په مقابل کی د خپلی مشروعی دفاع لپاره کافی تیاری لرو او هر وار مو مرکز خبر کړیدی خو متاسفانه مونږ ته ئی بیرته ځواب ندی راکړی .

پوښتنه : ستاسو جبهاتوته نږدی د جنرال دوستم د ملیشه وو قوت څومره ځواکمن بولی ؟

ځواب : په ۱۳۷۱ او ۷۲ کی دقلعه زال ، شیخ جلال ، علی آباد او بغلان په سیمو کی زمونږ او دوستمیانو ترمنځ متعدد ټکرونه ددی باعث شول چی ملیشه ئی قوا وی خپل ځان او خپل حدود و پیژنی ، مطبوعاتو او ځینی داخلی اطرافو په لوی لاس دوستم له خپل حجم څخه زیات وښود او مونږ په دی عقیده یو چی د هغوی موجودیت، قوت او جدیت دمجاهدینو د اختلاف په وجه دی.

پوښتنه: آیا د وسلو د راټولولو او د یو نماینده حکومت د جوړولو لپاره کوم مشخص وړاندیز لری ؟

ځواب : په تاسف سره باید ووایم چی مونږ د خپلو دومره قربانیو با وجود تراوسه دداسی یو ځواکمن مرکزی حکومت خاوندان شوی نه یو چی د درندو وسلو په راټولولو باندی قادر شی او دعامو انتخاباتو لپاره د لایحی او پروگرام په اساس زمینه هواره کړی .

مونږ یواځی وړاندیز نه بلکی په ټینگه غوښتنه کوو چی په ټولو ولایاتو کی د مشهورو او مهمو قومندانانو ، علما ؤ او مخه وروخلکو شوراگانی جوړی شی او پخپلو سیمو کی دی مجاهدین دی ته اړباسی چی چی درندی وسلی د دفاع وزارت په چوکاټ کی فرقو او غونډونو ته تسلیم کړی او دمربوطه سیمو له مجاهدینو څخه منظم قطعات جوړ او دغه د خو د سری او انحصار طلبی فضا ته خاتمه ورکړی .

او همدارنگه دولت باید د یوی منتخبی شوری د جوړیدو ټول مشروع وسائل په کار واچوی او د خلکو د یو نماینده او ممثل حکومت د قیام لپاره دی ټول مطرح ځواکونو پدغه سرنوشت ټاکونکی پروسه کی شریك او سهیم کړی .

دستی که دست دوست نگیرد شکسته به

از کجا آغاز کنم و از کدام درد بگویم از فریاد بیوه زنان و از نگاه های سراسیمه و حیران و بهت زدهء طفل یتیم که از نوازش دست پدر محروم است .

از رنج جانکاه و یأس تلخ مهاجر خانه بدوش که چهارده سال تمام در خیمه های وصله خورده و در زیر تابش آفتاب سوزان به امید فردا های روشن و سبز مرارت های زندگی را با جبین گشاده تحمل کردند .

از شور و جذبات جوانان مخلص و متعهد که تکبیر گویان کوهپایه های مملواز برف و یخ را در نوردیدند وماه ها بدون هیچگونه احساس خستگی طی طریق کردند و سرود فتح و ظفر را در لای دره ها و خم و پیچ کوهپایه ها زمزمه نمودند از آرمان پاك شهدای گلگون کفن که بخاطر تحقق و استقرار حکومت عدل الهی بیباکانه رزمیدند وخویشتن را دراین راه فدا نمودند .

از اسیران آزاده که با پایمردی و متانت در مقابل شکنجه های دژخیمان کفر و الحاد مقاومت کردند و حماسهء استواری و مردانگی را در صفحهء تاریخ رقم زدند.

از مجروحین و معلولین این شهیدان زنده و یادگار پرارج ایثار و مقاومت که هر کدام الگوی دوستی ، فداکاری و از خود گلری اند .

هنوز بیرق های سبز بر فراز گورستان شهدا در اهتزاز اند و هنوز هر صبحگاهان فریاد مادری رنجور یا نو عروسی دردمند و طفلی یتیم فضای خاموش گورستان شهدا را می شکند.

هنوز داغ شکنجه های درد ناك و آثار زنجیر وقید وبند در دست و پا وگردن اسیران ما باقیست.

آیا مزد این همه ایثار و فداکاری و بدل این همه رنج ها و مصیبت ها این باید باشد که ما خود نتوانیم مسایل و مشکلات خودرا حل کنیم و دست بدامان این و آن بزنیم تا بیایند مارا چون طفلی نوپا از گوشمان گرفته و در راه سوق دهند ما که به قوت ایمان و عقیده و با پیروی از اساسات واحکام دین نجات بخش اسلام بزرگترین قدرت طاغوتی را به زانو در آوردیم حالا چرا نتوانیم مشکلات ذات البینی خودرا حل و فصل کنیم چرا عوض دست دراز کردن به دامان این و آن به ایمان و اسلام خویش که یگانه عامل پیروزی ماست رجوع نمی کنیم چرا به آیات متبرکه « رحماء بینهم » و « انما المومنون اخوة» عمل نمی کنیم ما که برای تاسیس حکومت اسلامی و بخاطر تطبیق احکام این دین حنیف مبارزه کرده ایم پس تا وقتی که خود به احکام اسلام عمل نکنیم و دست دوست و برادر مومن خودرا نگیریم چگونه میتوانیم به جامعه خویش احکام و قوانین اسلامی را بطور شایسته و لازم تطبیق نمائیم .

آری ! یگانه مرجع و منبع حل مشکلات ما قرآن کریم و سنت نبوی است نه ملل متحد ونه هیأت هایی از این و آن کشور .

پیشوای بشریت و پیامبر برحق اسلام میفرماید :

ترکت فیکم امرین لن تضلواما تمسکتم بهما کتاب الله و سنة رسوله.

دو چیز را بر شما گذاشتم که در صورت تمسك به آن هرگز گمراه نمی شوید و آنها عبارت از کتاب الهی و سنت نبوی میباشد .

حیف است که شاهین شکار مگس شود

جهاد بر حق و اعجاب انگیز ملت آزاده و قهرمان ما در طول چهاده سال چنان اثر شگرف و موثر در جهان گذاشت که بسا از معیار ها و معادلات سیاسی و نظامی را تغییر داده و مسیر تاریخ را عوض نمود .

لشکر کشی و تجاوز قدرت بزرگ نظامی با پیشرفته ترین وسایل و تعلیمات جنگی ومقاومت سرسختانه و جهاد مقدس ملتی پا ـ هنه و فاقد سلاح های پیشرفته و تعلیمات نظامی ، شکست مفتضحانهء ارتش متجاوز و بالآخره نابودی ابدی کمونیزم و انحلال کشور به اصطلاح شوراها همه الحق معجزهء قرن بیست بوده و سزاوار است تا هر فرد مجاهد و ملت مسلمان افغانستان و نسل های آینده به این پیروزی افتخار کنند .

اما قدرت های کفری و غرب مذبوحانه تلاش می ورزند تا این افتخار را ازملت ما بگیرند و جهاد مقدس مارا درتاریخ مخدوش سازند و قدسیت و شکوه آن را با صفر ضرب بزنند مجاهدین و مسلمانان واقعی را بنام دهشت افگن و تروریست در جهان معرفی نموده و کسانی را که به اساس احکام اسلامی از اقصی نقاط جهان به جهاد مقدس افغانستان اشتراك کرده اند تحت فشار قرار داده و درهر کشور تعقیب ، تهدید و دستگیر نمایند و با مداخلهء صریح و مستقیم درامورداخلی کشور ما زمینهء هر نوع تفرقه و نفاق را مساعد سازند .

آنچه که در این باب مهم وقابل دقت است همانا بیداری و هوشیاری ماست نه تلاش های مذبوحانهء غرب و قوت های کفری زیرا مسلم است که غرب و جامعهء کفر والحاد برای گسترش و توسعهٔ تسلط خویش اسلام را یگانه مانع عمده و موثر تلقی می کنند بناء بااستفاده از تمام امکانات تلاش می ورزند تا کشور های اسلامی و بطور اخص افغانستان را که در صورت استقرار کامل حکومت اسلامی واعادهٔ نظم بدون شك پایگاه همه نهضت های اسلامی و مسلمانان خواهد بود،در یکحالت هرج و مرج و بدامنی نگاه داشته و تخم نفاق و تفرقه را در بین آن ها بکارند و با استفاده از اجیران و ستون پنجم برای تضعیف نیروهای اسلامی اقدامات نمایند .

پس عامل موثر و عمده در مقابل این همه مداخله و دسایس تنها شکایت وحکایت از جنایات قدرت های کفری نبوده بلکه در قابلیت و مهارت ما در مقابله با این مداخلات و جنایات مضمر است .

ما در طول چهارده سال جهاد مقدس هر نوع دسیسه و توطئه و تجاوز صریح و مستقیم استکبار شرق و ایادی آنرا آن کاملا نقش بر آب نمودیم و مجاهدین وفرماندهان قهرمان ما چون شاهین های خشمگین بر متجاوزین حمله نموده و قوتهای آن ها را تار و مار نمودند ودر نتیجه در قلهء پیروزی گام نهادند .

علت عمده و موثراین همه پیروزی در کدام امر نهفته بود ؟ مسلما یگانه عامل موفقیت و پیروزی ملت مجاهد ما مربوط به ایمان کامل وعقیدهء راسخ آن ها به نصرت خداوندی و مربوط به وحدت و یکپارچگی آن ها در مقابل متجاوزین بود .

پس چرا در مرحله فعلی نیز در مقابل هر نوع مداخله و دسیسه ازین تجربه استفاده ننمائیم و با وحدت و یکپارچگی و با تفاهم و گذشت، قوت و شوکت خودرا تضمین نکنیم ؟

باید جداً متوجه باشیم که غرب وامریکا سخت درتلاش اند تا با تطبیق پلان های تفرقه افگنانه بصورت مرحله ای و گام به گام زمینه مداخله مستقیم ملل متحد و بعد نصب ایادی خویش درحکومت را مساعد سازند و یگانه چیزی که این پلان های شوم و مداخلات خائنانهء کفار را خنثی می سازد همانا ایمان و اعتقاد راسخ به نصرت الهی و تامین اتحاد و یکپارچگی بین بزرگان جهادی و مجاهدین است .

د وحدتیانو وروستنی برید د اهل سنت و الجماعت په ضد یو عمومی بغاوت وو .

د افغانستان اسلامی اتحاد نه بندیان لری او نه بندیخانی.

(جنرال عبدالله خان)

کابل / د اتحاد اسلامی خبریال ؛ دافغانستان د اسلامی اتحاد او وحدت د گوند ترمنځ د پرله پسی او متعدد و پریکړو اوربندونو او تعهداتو سره سره پدغه گوند کی د کشتمند د باند غړو د پخوا په څیر پخپلی هیڅ ژمنی او تعهد باندی التزام ندی کړی او تیرو لسور ورځو په دوران کی چی ددغو لنډ غرو لخوا د پغمان او شاو خوا په کلیوالو سیمو باندی د راکټونو او هاوانونو کوم ډونډوکار جوړ شوی وو هغه زمونږ دادعاینه او ژوندی ثبوت دی.

ددی لپاره چی موضوع نوره هم روښانه او د وحدتیانو د سرغړونو او د هغوی ددی پروپاگنډی په هکله چی گوندی داتحاد اسلامی مجاهدین د اهل تشیع سڼځینه بندیانی ساتلی او یا د هغوی د نارینه بندیانو سره ناوړه سلوك شوی زمونږ خبریال د اتحاد اسلامی نظامی چارو د سر پرست رئیس ورور جنرال عبدالله خان څخه پوښتنه وکړه چی په پورتینو دوټکو باندی دعلت ځرگندولو تر اړخه رڼا واچوی هغوی وویل چی لکه ځرنگه چی ټولوته ځرگنده ده دافغانستان اسلامی اتحاد د همیشه لپاره تنظیمی جگړو څخه ځان گوښی ساتلی دی او پخپل منځی شخړو کی یی د دریم گړی رول لوبولی دی ، ولی د وحدت په گوند کی کشتمند بانډستانو دغه فضا

مجاهد ورور جنرال عبدالله خان

تحمیل نکړای شوه او یواځی په تیرو لسو ورځو کی ئی په پغمان او د پنځمی حوزی په مربوطاتو سیمو باندی نږدی ۱۲۰۰ راکټونو او هاوانونو بر سیره په زرگونو وړو وسلو مرمی ورولی د کومو په نتیجه کی چی تقریباً ۵۳ تنه زمونږ بیگناه وروڼه او خویندی شهیدان او ټپیان شویدی او په لس گونو کورونه او دکانونه سخت زیانمن شویدی او ددغی ډلگی دغه ناوړه تصرف د اکثر و علما و اوسیاسی کتونکو په عقیده د اهل سنت والجماعت په ضد دیوعمومی بغاوت اوتیری مانا لری ، او شاید علت ئی همدا وی چی د افغانستان اسلامی اتحاد پخپل ټول فکری او سیاسی قوت د موقت اساسی اصولو تر ځنگه ودرید تر څو ملك د یوی او ږدی قانونی خلا څخه را د باندی شی ، ولی دغی معلوم الحاله ډلگی پدی بهانه چی په هغی کی حنفی مذهب ته پکی ځای ورکړل شوی او جعفری فقی ته پکی اشاره نده شوی د پغمان په کلیوالو سیمو باندی سور اوربل کړ.

دوی زیاته کړه د پوښتنی ددوهم جز په رابطه باید ووایم چی مونږ نه بندیخانی لرواو نه بندیان اوکه څوك د جنگ په دوران کی نیول شوی هم وی هغوی مو پرته له کوم قید او شرط څخه د حسن نیت په عنوان خوشی کړی او یا مو په هماغه لمړنیو ورځو کی له نورو سنیانو سره که دهر تنظیم هم وی د مزاری گروپ سره تباله کړیدی .

پاتی شوه د سڼځینه بندیانو خبره نو دا بالکل یو پوچ او بی ځایه پروپاگنده دی ځکه عبدالعلی مزاری پخپله داخبره په وار وار رد کړیده او که چیری ئی حقیقت درلودلای نو د هغوی ورثی (پلرونو زامنو او خپلوانو) به حتما د هغوی د نومونو لست اعلان کړی وواو یا به ئی د ځینو بی طرفه موسسو له لاری د هغوی سیمی او منطقی مشخص کړی وایی.

افریقا وعفریت استعمار غرب

دلچسپی امریکا به صومالیا

عفریت استعمار غرب برای بلعیدن جهان دهن باز کرده است ، برای بلعیدن جهانی که از نشخوار آن هرگز روی سعادت را نخواهد دید هرگز احساس گرسنگی اش اشباع نخواهد شد و سرانجام هرگز عطش خون آشامی اش فرو نخواهد نشست...

عفریت استعمار غرب برای بلعیدن جهان دهن بازکرده است ، تا خود سیر بمیرد و جهان دیگر رابه چنگل مرگ، فقر ، تهیدستی ، جهالت ومرض بسپارد واز این دومرگ متوازی یاسی را به نسل های آینده باقی گذارد که بجز ازعقده ،خشونت ، پرخاش ، انتقام و انفجار نورمهای جوامع انسانی نتیجه یی نداشته باشد ..این عفریت به این امید در هر خطه یی از جهان با دهن باز تماشاگر تباهی خود خواهد بود و عیال الله بسوی زندگی بهتری به پیش خواهند رفت این دستور فطرت ورسم ارزشهای حاکم بر جامعه بزرگ انسانی است این ارزشها از فرعون گرفته تا قانون مسلط فرعونیت عصر ما بر هر قلدر و زورگو و جاه طلب و برتری جو ووسعت طلب تطبیق شده والی یومنا ادامه دارد، هر چیزی را دورانی است سپری شونده که هیچگاه از ازل تا ابد امتداد نخواهد یافت وهرحادثه وموجود در معرض فنا قرار خواهد گرفت !

جنبشهای آزادی بخش امروز درهمهء اقطار عالم به شیوه ها واسلوب های جداگانه و مختلف روی کار آمده اند ، همهء شان یك هدف را تعقیب میکنند و آن این که موجودیت خودرا به اثبات برسانند و آن همه نیروهای شیطانی را که موجودیت آنهارا نفی می کنند به عقب رانند و سایه شوم آنهارا از سرخود دور سازند ... درحقیقت این جنبشها عکس العمل مستقیمی است در برابر طرزالعمل غیرانسانی قدرتهای استعماری که امری است طبیعی و حتمی الوقوع، طورمثال :

به قرن های زنجیر و برده گی افریقا بر میگردیم و مشاهده میکنیم که دیوانگان سرمایه و آقایی ، آنهارا چگونه به دام می انداختند در زنجیر و زولانه جوق در جوق به پای قایق کشانده میکشانیدند .. آری این امریکایی ها بودند، امریکایی هایی که اجداد شان ازکشورهای اصلی شان بنابر داشتن دوسیه های جنایی به امریکا (این قارهء نو کشف شده) فرار

ص(۷)

پیوند های تاریخی غزنه و لاهور (۲)

محمد تسیم (فقیری)

درین عهد آثار علمی وادبی بیشتری بوجود آمد وسرعت این انکشاف بقدری بود که افغانستان ازنظر زبان وادب درصف اول کشورهای پیشرفته جهان قرارگرفت ودرشهر های مرکزی وپایتخت کتابخانه های غنی وجودداشت . غزنویها در راه ترقی زبان وادبیات دری خدمات شایانی انجام دادند .

با آنکه زبان علمی وبین الاسلامی کلیه کشورهای مسلمان ، عربی بود وآثار علمی علمای افغانستان هم به زبان عربی تحریر می یافت حتی دبیران وشعرای افغانستان تسماً در انشاء و ترسل وشعر عربی خود سر آمد ومشهور بودند ، معهذا زبان دری نه اینکه استقلال ادبی ورسمی خود را از دست نداد بلکه قدم به قدم براه علمی شدن پیش رفت .

هکذا تصوف وعرفان اسلامی نقش زیادی در ادب دری بجا گذاشت و باچهره جذابی درنظم ونثر دری تجلی نمود.

غزنی درین عهد مرکز علم وادب عالم اسلام گردید. سلطان محمود هرجا که عالم وحکیم ودانشمندی می یافت آنرا به دربار خویش جلب می نمود. برین بناست که پروفیسور ادوارد براون نویسندهء «تاریخ ادبی ایران» اورا اختطاف کنندهء علماء دانسته است . (۳۴)

چهار صد شاعر به دربار غزنوی وابسته بودند ودر اکثر سفربری های نظامی شعرا نیز همرکاب سلطان بودند . این شعرا عملیات جنگی وفتوحات عسکری سلطان را درقالب شعر جاویدان ساختند که قصیدهء «فتح سومنات» فرخی نمونه بارزآنست .

صلات وبخشش های محمودی تعدادی کثیری از شعرا را به دربار غزنه کشانیده بود . خاقانی درمورد عنصری ملك الشعرای دربار محمود گفته است :

شنیدم که ازنقره زد دیگدان
ززر ساخت آلات خوان عنصری (۳۵)

«محمود . . . يك کتابخانه ويك مؤسسهء بزرگ علمی ایجاد کرد ودربار باشکوه وی پناهگاه شاعران ودانشوران بود . ازجملهء بزرگان ادب که به دربار وی بودند عتبی مورخ عربی نویس (متوفی ۴۲۸ هـ . ق ۱۰۳۶ م) وبیرونی عالم ومؤرخ مشهور وهم فردوسی شاعر بزرگ فارسی را که به سال ۱۹۳۴ درآسیا واروپا وامریکا هزارمین سال تولد اورا جشن گرفتند نام باید برد...» (۳۶)

سلاطین غزنوی مشوق شعرا بودند ، سلطان محمود ، پسران ووزرای او همه به شعر وشاعری دلچسپی داشتند . سلطان محمود که همواره مصروف جنگ وجهاد بود ، به این امر ضرورت داشت تا شرایط ذهنی را برای جنگ وجهاد آماده سازد واز شرکت وحمایت توده های وسیع مردم برخوردار گردد . بنابراین شعرای دربار او باقصاید دلنشین خویش ذهنیت عامه را متوجه اهمیت وضرورت ومفیدیت اقدامات جنگی او نمودند .

برخی از محققین ایران بنابر دلایل نژادی ومذهبی از احساس علاقه سلاطین غزنوی درجهت پار وری ادبیات دری چشم پوشی می نمایند و ترویج زبان دری وتشریق شعرا را يك ضرورت درباری وتبلیغاتی میدانند .

دکتر ذبیح الله صفا می نویسد : « . . . محمود غزنوی از ثروت بی کرانی که گرد آورده بود ، صله های بی سابقه به شاعران می بخشید . این نکته هم شایان توجهست که یکی از علل بخشیدن مال فراوان دربرابر مدایح شعرا علاقه یی بود که شاهان ببقای نام وکسب شهرت واهمیت درمیان مردم داشتند ودرحقیقت ازمداحان بعنوان وسایلی برای تبلیغ بهره برمیداشتند » (۳۷) .

درکتاب « تاریخ ایران » می خوانیم:

« محمود که ترك نژاد بود ودرست لطایف زبان فارسی را درك نمیکرد وبعلت تعصب شدید درمذهب تسنن باهرچه که ازآن بوی حکمت وآزادی فکر می آمد ، بسختی دشمنی داشت، هیچگاه نمیتوانست بامیل دل وذوق طبیعی طالب شعر وادبیات وجویای علم وحکمت باشد . تمام تظاهراتی که درین راه از محمود دیده شده ازآن نظر بوده است که وجود شعراء وعلمای معروف درگرد دربار درآن ایام از اسباب شکوه وجلال محسوب میشده وشعرا باسرودن مدایح امراء وسلاطین وفضلاء بانوشتن کتب ورسایل باسم ایشان بهترین وسیلهء نشر مفاخر وبلند آوازه ساختن نام ممدوحین ومخدومین خود بودند تا آنجا که هر درباری که عدهء شعرا وفضلای آن بیشتر ونام ونشان ایشان معروفتر ودرخشان تر بود بر دربارهای دیگر فخر میفروخت ومحمود که درعصر خود نمیتوانست درباری را ازهیچ جهت نامی تر از دربار غزنه ببیند هرجا ازاین شعرا و دانشمندان اثری می یافت آنان را بوعده ووعید بغزنین میکشاند . . . تعصب محمود وسخن ناشناسی او ویرا برآن داشته است که بافردوسی که بمذهبی غیر از مذهب سلطان معتقد بود بپستی وزشتی معامله نماید . . . » (۳۸)

دکتور ولی الله ظفری می نویسد :

« . . . محمود ترك بود واز رموز زبان فارسی بیخبر. وی نا خود آگاه وبدون میل باطنی به ترویج این زبان می پرداخت ، ازاین رو که پرورده دستگاه سامانیان بود ، وجود شاعر ونویسنده ودانشمند را جز و دم ودستگاه شاهی ومایهء شوکت وسلطنت می پنداشت وازجهتی چون شاعر ونویسندهء آن زمان نقش دستگاه تبلیغاتی امروز را داشت ، ومحمود هم مایل بود عظمت وشوکت وی را همان شاعران ونویسندگان به گوش جهانیان برسانند ، بنابراین ازبذل وبخشش ودادن صله های گرانبها به این طبقه دریغ نداشت . اما دربارهء عدم علاقهء این پادشاه نسبت به گسترش زبان فارسی ، رفتار او بافردوسی ، سخن سرای بزرگ ایران ، خوددلیلی است روشن واحتیاج به برهان متقن تری ندارد. » (۳۹)

اما محققین نیم قاره هندوپاکستان با این نظر موافق نیستند وقضاوت های محققین ایرانی را از واقعیت بدور وزاده تعصب میدانند .(۴۰)

قابل تذکر است که اکثر نویسندگان ایرانی (۴۱) لشکرکشی های سلطان محمود به هند رانیز بادید منفی نگریسته واهداف اساسی آنرا غارت شهرها ومعابد میدانند :

« محمود مردی آزمند وپول دوست وثروت طلب بود و با اینکه درلشکر کشی بهند ظاهراً نشر اسلام ونیت جهاد وغزا را بهانه میکرد ، غرض اصلیش غارت معابد پرثروت هند وآوردن غنایم ازآن دیار بود . . .» (۴۲)

« . . . محمود هفده بار به هندوستان لشکر کشید که این جنگ ها عموماً به غارت بیسابقه مناطق تسخیر شده وانتقال ثروت های بسیار وصد ها هزار برده به پایتخت همراه بود .

هدف او در این پیکار ها ظاهراً جهاد با کفار هند بود ولی باطناً هدف اصلی او ، غارت شهر ها ومعابد وبتخانه های آنان بود » (۴۳) .

ولی مورخ افغان ، میر غلام محمد غبار ، محمود را مسلمان متعصب میداند که بخاطر اعلای کلمة الله به جهاد می پرداخت . غبار می نویسد که اگر جنگ های سلطان محمود بخاطر بدست آوردن مال وثروت می بود پس تسلیم شدگان هنود ومسلمان شدگان را امان مالی وجانی نمیداد ویا اصنام قیمت دار را درعوض تخریب به پیروان آن میفروخت درحالی که چنین نبود (۴۴).

از انصاف بدور خواهد بود اگر نظر مثبت وعاری ازتعصب برخی از نویسندگان مشهور ایران را درمورد سلطان محمود ذکر ننماییم :

احمد سروش مینویسد : « محمود ، بت شکن بزرگ ، فاتح سومنات ، غازی مشهور ومؤمن دنیای اسلام ونخستین سلطان بعد ازاسلام وناصر دین الله بود . .او سیف اسلام بود که ازچاه غزنین بدرآمد وحقا که همو مؤسس پاکستان بود .

محمود بزرگترین، دلیرترین، جوانمرد ترین ، عاشق پیشه ترین شاهان ایران بعد از اسلام بود و هیچ شاهی به ادب وشعر فارسی به اندازه او خدمت نکرده است .

درشگفتم از آن گروه که اگردین ندارند وملیت ایرانی دارند چرانباید به محمود ببالند بدین بهانه که او از غزنین بوده ، مگر غزنین کجاست ویا مگر ترك زبانی گروهی ایران ماهیت ایرانی آنها را عوض خواهد کرد وآیا حدود جغرافیایی وقلمرو زبان فارسی وحدود نامحدود عقلانی وفرهنگی ایران را فراموش کرده اند . واگر مسلمانند ودین دارند که باید بدانند بعد از اسلام ترك وعرب وهندی وچینی وایرانی ورومی همه وهمه ملیت اسلام گرفتند همچون سلمان ابن اسلام شدند . آری محمود بزرگترین شهسوار فاتح اسلام است . . . » (۴۵)

همچنان داکتر زرین کوب نیز برشعر دوستی وشعر فهمی سلطان محمود وسلطان مسعود اعتراف دارد وبدین ترتیب نظر منفی وبدبینانه « پیرنیا » و « ظفری » را رد مینماید . (۴۶)

حواشی

۳۴ - ادوارد براون ، همان کتاب ، ص ۱۳۷.

۳۵ - خاقانی ، دیوان ، ص ۷۵۶

۳۶ - فلیپ خلیل حتی ، تاریخ عرب ، ترجمهء ابوالقاسم پاینده ص۵۹۷ و۵۹۸

۳۷ - صفا ، تاریخ ادبیات ایران ، ج اول (خلاصه. ج ۱ ، ۲) ، ص ۹۹.

۳۸ حسن پیرنیا ، تاریخ ایران ، ص ۲۶۵ و ۲۶۶

۳۹ - دکتر ولی الله ظفری ، حبسیه در ادب فارسی ، ص ٤٤

۴۰ - داکتر محمد ریاض و داکتر صدیق شبلی ، تاریخ مختصر ادب فارسی (بزبان اردو) ص ۲۹ وص ۳۱ و پروفیسور شبلی نعمانی ، شعر العجم ، ص ۴۶ وص ۷۹ وداکتر سید عبدالله ، سهم هندوان درادبیات فارسی (بزبان اردو) ص ٤

۴۱ - نهرو نیز سلطان محمود را يك جنگجوی سلطه جو میداند تا يك مؤمن معتقد ولشکرکشی های اورا مانند بی رحمی ها ووحشی گری های چنگیز در ایران ارزیابی مینماید .

۴۲ - حسن پیرنیا ، تاریخ ایران ، ص ۲۶۷

۴۳ - ابو الحسن رجب نژاد ، تاریخ دروغ ، ص ٥٤ و٥٥

٤٤ - میر غلام محمد غبار ، افغانستان درمسیر تاریخ ، ص ۱۰۷ و ۱۰۸

٤٥ - ازمقدمهء احمد سروش برکلیات اشعار فارسی اقبال

٤٦ - دکتر عبدالحسین زرین کوب ، نقد ادبی ، ج ۱، ص ۱۸۶ و۱۸۷

ته په کوز تاکال کی ناست یی هواګزوی!

ما ورته وویل :

ثبات ، قاطعیت ، ربنتینولی ، صداقت ، په وعده وفا ، اخوت او د نورو اخلاقی ارزښتونو پالنه او په ټولنه کی دهغو ترویج کول زموږ د مبین دین له غوره شعائرو څخه دی او که ورته ښه زیر شو ، د انسانی ژوند ستنی هم پرهمدغو بنسټونو ولاړدی ، په دې معنی چی که چیری موږ و غواړو د ننني تمدن له وحشیانه یرغلونو څخه ګوښه پاتی شواو ځنګلی اخلاق ونشی کړای زموږ دانسانی ژوند سمسور بڼ تالا واړلا کړی ، نو ښایی چی دټولنیز ژوند په هکله هم دخپل دین سپیڅلی او ښکلی اصول دلاری مشال وګرځو و او ګام په ګام د هغو په رڼا کی د ژوند کا روانونه شاته پریږدو له بله پلوه دا زموږ وظیفه څه چی د یومسلمان په صفت اخلاقی مکلفیت هم دی ، نو ددی اصولو په لرلو سره دنورو «تجارتی اخلاقو » ته څه ضرورت لرو؟ که چیری خدای مکړه موږ د نورو اخلاق خپل کړو او د نورو په تقلید او پیسو پسی لاړ شو ، نو زموږ انجام به هم هغه بیزو په شان وی چی د ښکاری په تقلید کی یی ځان وسوزاوه :

هو ! وایی چی یو ښکاری د ښکار لپاره کوم ځنګله ته لاړ ، کله چی شپه پخه شوه یخنی زیاته شوه ، نو خس یی راټول کړی اوربی ولګاوه او په یو ګوښه کی یی ډډه ولګوله چی ځان تود کړ ، په دی وخت کی یوه ډیره لویه بیزو راغله او د اور بلی خواته کیناسته ، ښکاری له ډیر چورت نه وروسته چی د بیزو حرکاتوته هم متوجه و دی نتیجی ته ورسید چی بیزو په هر حرکت کی دده پیښبی کوی ، نو ښه به دا وی چی دهمدغه تقلید له لاری بیزو له بد برخلیك سره مخامخ کړی او ځان تری خلاص کړی ، هسی خو د یوی مردکی خاوری کول ، هم پر بیزو باندی ورته ډیر ګران کارو ، هماغه و چی د تیل دانی خوله یی خلاصه کړه او یو څو څاڅکی تیل یی پر ځان وشیندل او بیا یوه اورلنه اولګیدلی ډکی یی واخیسته او د ځان خواته یی ونیوه .. بیزو چی د ښکاری دی کارته وکتل ، دواره یی تیل دانی پرځان واړوله اویوغټ اور لګیدلی لرګی یی پورته کړ او ځان ته یی نږدی کړ د سترګو په رپ کی بیزو اور واخیسته او سری لمبی یی په ورین بدن کی ژیغراندی شوی په تیښته ، تیښته کی کومی کندی ته ولویده او ایری ایری شوه !!

ده راته وویل : زه ستا له خبرو سره د منطق او استدلال تر حده موافق یم ، مګر له دی ډګره ها خوا د واقعیت په دنیا کی نن د «تجارتی اخلاقو » بازار ګرم دی ، په انسانی ښکلیواو سپیڅلواوصافو متصف وګړی ، په ټولنه کی د ساده، مجذوب افراطی یا لیونی په نوم شهرت لری .. درواغ هنر دی ، آرت دی ، د سیاست په ډګر کی د نبوغ اوزیر کی نښه اوعلامه ده، کمپرومایز ، له حالاتواو رجالو سره جوړ جاړه ، منافقت ، فریب ، اخلاقی فساد ، دا ټول هغه رایج اوصاف دی چی د نړیوال نظام ستنی پری ولاړی دی .. ته په خپله ټولنه کی نه ګوری چی د صداقت او پوهی اهل یوی مړی ډوډۍ پسی ټینډکونه وهی ، مګر دفساد ټیکه داران او په سالمو ذهنیتونو کی ټکول شوی د ټولنی رټل شوی افراد - دلنډ کروزرونواو ماڼیو خاوندان دی ، هټی لری، مغازی لری ، خارجی اسعار لری او کله کله داسی هم کیږی چی ددوی د سرمایی په نشتوالی کی پوره پوره بانکونه له ماتی سره مخ کیږی او با لیرتر لیره د شکایت آوازیی پورته کیږی !!

زه به هغه علم ، فرهنګ ، صداقت ، قاطعیت د قربانی او ایثار احساس څه کړم چی اولاد می له بیماری نه مری او دهغه د مرض علاج نسخه زما په جیب کی زیږیږی او زه ددی توان نه لرم چی یوه نسخه دوا ورته واخلم آخر ستا دا شل کلن رفاقت له ما سره د همدی لپاره وچی په اوږدو اوږدو وعدو می وغولوی ماستا په ملګرتیا کی څو کلونه تاوان څه چی تاوانونه وګالل د میلمنو په پالنه کی پوروړی شوم او نه پوهیږم چی نورڅه آفتونه راباندی نازل شول ، هر ببر سری فرهنګی به ما پسی دفتر په دفتر ګرځیده چی .. صاحب چیرته دی ؟ یاره د ښه عالی فکر خاوند دی !

مثبت سوچ لری ! یاره زه چی یو ساعت ورسره کینم دومره معلومات ترلاسه کوم چی د لسو کتابانو له مطالعی څخه هم ماته نشی حاصلیدای!!

نور دا خبری پریږده د زمانی له آس سره دی آس ځغلوه لا هغه وخت نه دی رسیدلی چی فضایی ترانسپورت فعال شوی وی کله چی دا کار و شو نو بیا هغه وخت پر خپل دلدل پښه واړوه او له هوایی ترانسپورتی کار وانونو سره یوځای د سپوږمی او مریخ دودانیو په لورهسك هسك والوزه !!

بی وخته سپین ږیری شوی ، ماشومان دی ناولی او په نس ماړه نه دی ، خپل اوخپلوان درنه تښتی ، خو بیا هم هماغه د شاګردی ددوران خبری کوی ، سترګی و غړوه له جهان سره ځان آشنا کړه ! خلك په څه کی دی او ته په څه کی یی ؟

نږدی مثال یی درته وایم :

ص (۷)

آیندهء روابط روسیه...

افغانستان بفضل خداوند و دراثر قهرمانی و پایمردی مجاهدین آزاد شده و حکومت اسلامی در آن قائم شده است ، باید روابط آینده،آن با روسها و سائرکشورها براساس اصل تساوی و احترام متقابل استوار باشد لذا دولت و ملت افغانستان باید قبل از بر قراری روابط با روسها همهء آن حقائقی راکه درمورد روسیهء جدید در بالا گفته آمد ، در نظر بگیرند و از روسها بخواهند که در بدل آزادی اسیران شان ،خسارهء جنگ چهارده سالهء شان علیه افغانستان را بپردازند ، ملیونها ماین را که در سرتاسر افغانستان تعبیه کرده اند ، بر چینند ، اسیران واطفال افغانی را که در زمان اشغال افغانستان به روسیه وکشورهای آسیای میانه برده شده اند ، به افغانستان بر گردانند و نیروهای خودرا از سرحدات افغانستان ، دور ببرند وهمچنان دولت افغانستان از روسها ضمانت قاطع مبنی برعدم تجاوز وعدم مداخله را بگیرد .

اگر روابط اقتصادی و فرهنگی بین روسیه وافغانستان بر قرار می گردد باید براساس اصل تساوی استوار وعادلانه باشد و مانند گذشته شکل استعماری نداشته باشد یعنی روسها نباید تحت نام روابط اقتصادی ، ثروتها و منابع کشور مارا به غارت ببرند ، و قدم نخست در تحکیم روابط اقتصادی بین دو کشور باید آن باشد که روسها آنچه را که در ظرف چهارده سال از کشور ما به غارت برده اند ، دوباره به ملت ما مسترد کنند .

روسها نباید با گذاشتن نام کمك در باز سازی افغانستان از فرستادن انجنیران و کار آگاهان خود درافغانستان که وزیر خارجه روسیه وعدهء آنرا داد ، بر ملت و دولت ما منت گذارند ، زیرا اگر قرار باشد روسها در این باز سازی شرکت کنند ،این عمل شان جزء پرداخت خساره است نه کمك !! و روسها آن ضمانت را هم باید بدهند که انجنیران وکارمندان شان که به افغانستان می آیند مانند گذشته جاسوس و مفسد و تخریب کار نیستند و علیه کشور و ملت ما کار نمی کنند و در سطح فرهنگی-اگر روابطی بین دو کشور بر قرار می گردد ، باید روسها تعهد بسپارند که محصلین و دانشجویان مارا ملحد و ضد دین ووطن تربیه نمی کنند و بهر تعداد که دانشجویان ما به روسیه جهت تحصیل فرستاده می شوند بهمان تعداد باید دانشجویان کشورهای مشترك المنافع به کشور ما جهت تحصیل بیایند .

و کوتاه سخن اینکه دولت و ملت افغانستان باید در روابط خود با روسیه خیلی محتاط باشند و بکوشند که هر گونه رابطهء شان با روسها عادلانه بوده و با در نظرداشت این واقعیت قائم گردد که طرف مقابل کشوری است استعمار گر و دشمن دین ووطن و ملت ما!

آیا بنیادگرایی یك پدیدهء منفی است ؟

ترکیب بنیاد گرایی و یا به تعبیر دیگرافراطی از سال ها به اینطرف بحیث یك واژهء سیاسی درنوشته ها و تبلیغات وسایل ارتباط جمعی ورسانه های گروهی مورد استفاده قرار گرفته و بخصوص در دههء اخیر استعمال این ترکیب بیش از پیش رائج و معمول گردیده است .

بنیادگرایی از حیث معنای وضعی و لغوی به معنای طرفدار اصول و یا به عبارهء دیگر به مفهوم اصولی است پس بنیادگرا به شخصی که طرفدار اصول است اطلاق میگردد اما غرب و سائر معاندین اسلام از ین ترکیب بحیث یك حربه استفاده نموده و در قاموس سیاسی بنیادگرایی را معادل دهشت افگنی و تروریزم تلقی می نمایند .

حال ببینیم که آیا بنیادگرایی پدیدهء منفی است ؟ و چرا استکبار و معاندین اسلام این اصطلاح را در مقابل مسلمانان واقعی استعمال می کنند ؟

هرگاه یك فرد مسلمان قلباً و صمیمانه به اسلام و احکام اسلامی مطیع بوده ودر راه حراست از حریم مقدس این دین حنیف از بذل جان و مال دریغ نورزد و در تمام عرصه های زندگی ازاصول و قوانین اسلام پیروی نماید و با کفار و معاندین اسلام سازش ناپذیر باشد بدون شك چنین فردی از نظر استکبار شخص بنیادگرا وافراطی محسوب میشود.

غرب و دشمنان اسلام در این رابطه آنچنان تبلیغات وسیع و گسترده ای را انجام داده اند که حتی تعدادی ازمسلمانان تحت تاثیراین تبلیغات قرار گرفته و احیانا بنیادگرایی را یك پدیدهء منفی تلقی نموده وسعی می کنند تا این ترکیب در مقابل آنها استعمال نه شود در حالیکه هدف از بنیادگرایی طوریکه قبلا تذکر یافت عمل کردن و معتقد بودن به احکام و مسایل عقیدتی اسلام بصورت بنیادی واصولی و واقعی آن است اما اینکه دشمنان اسلام مسلمانان واقعی و اصولی را بنام بنیادگرا که از نظر آنها مرادف با دهشت افگنی و ترور است میخوانند به این مفهوم است که مسلمان واقعی هیچگاه با طواغیت وکفار سازش نکرده و به اساس آیهء مبارکهء «اشداء علی الکفار» در مقابل دست اندازی ها، تجاوز ها و استعمارگری های قدرت های استکباری مقاومت و قیام می نمایند و قاطعانه از دین مقدس خویش از سرزمین و مملکت خویش واز آبرو وناموس خویش دفاع می نمایند پس این گونه اعمال که ناشی از اصولی بودن یك فرد مسلمان است از نظر غرب دهشت و ترور است زیرا مسلمان اصولی وواقعی تسلیم نظریات و خواسته های شوم کفر جهانی نمیگردد .

اما دهشت افگنی ها ، ترورها ،تجاوزهاو قتل هایی که از طرف قدرت های کفری در کشور های اسلامی اعمال میگردد از نظر آن ها به مفهوم دفاع از دموکراسی و صلح است از نظر غرب جنایات وحشیانهء اسرائیل در فلسطین و حملات و کشتار وحشیانهء صربها در بوسنیا و عملیات مداوم عساکر هندی در کشمیر دهشت گردی و ترور محسوب نمی گردد و ایجاد فضای اختناق و تعقیب مسلمانان در مصر و دسیسه سازی در مقابل انتخابات الجزایر که بدون شك در یك فضای کاملا آزاد و دموکراسی به نفع مسلمانان صورت گرفته بود عمل خلاف دیموکراسی و آزادی تلقی نمی گردد .

اما نهضت های اسلامی و مسلمانان واقعی از نظر آن ها دهشت افگن و تروریست اند .

پس از نظر قدرت های کفری هر آنچه که سد راه تجاوز و جنایات آنها باشد بحیث پدیدهء منفی تلقی می گردد و لو که عمل مذکور مطابق با تمام اصول وموازین فطری و اخلاقی باشد و همچنان هرآنچه که نفوذ و تسلط آنها را در کشور ها تضمین نماید بدون شك از نظر آنها یك پدیدهء مثبت وعالی محسوب میگردد ولو که این عمل قتل ،کشتار،تباهی وویرانی باشد.

چنانچه حوادث ورویداد های جاری در سرتاسر جهان امروز شاهد این ادعای ماست پس این خود کامگی ها وخود محوری ها ناشی از قلدری و تکبر و زورگویی است و ما در طول تاریخ خواندیم و دیدیم که سنت الهی چگونه زورمندان غاصب و مغرور و امپراطوران متجاوز و سفاك را با خاك یکسان نموده و حق را ثابت و استوار ساخته است بناء ما متیقن هستیم که آیندهء جهان از اسلام است زیرا اسلام دین حق و آئین نجات دهنده از تمام پلیدی های ظاهری و باطنی بوده و مطابق با تمام مقتضیات فطری بشر است .

اختلاف، مواد سوخت ماشین تبلیغاتی دشمن را فراهم میسازد

اختلاف به عنوان مناقشه بر سر یك مسالهء فقهی علمی کاری است احسن ، زیرا اساسا این گونه اختلاف بخاطر رسیدن به یك فیصلهء صایب و مطابق به قرآن و سنت صورت میگیرد و غالبا غرضی در آن نهفته نمی باشد که حاکمیت نفس اماره بالسوء را در پیشنهاد و جر و بحث و فیصلهء مسایل نشان بدهد ، این جریان از صدر اسلام تا ایام ما ادامه دارد و هر طرف دخیل در بحث و قضیه اسناد بیشتری آورده است تا حق را بر کرسی نشاند و امت را از درد سرهای آینده نجات بدهد و یا راهی را باز کند که با پیمودن آن حق آزادی رای امت تثبیت میشود .

اما هیچگاه چنان نشده است که مساله یی از مسایل شریعت در نتیجهء بحث فقهای کرام و مجتهدین عظام لاینحل مانده باشد و یا در دوران جر و بحث یکی علیه دیگر شمشیر آخته باشند و خون مسلمانان بر زمین ریخته باشد.

اختلاف آن بزرگان تعمیری . مثبت بود و ارادت و محبت شان با همدیگر به سرحدی رسیده بود که امام بزرگوارمحمد بن ادریس شافعی رضی الله عنه هنگام ورود به کوفه بعداز زیارت روضهء امام ابوحنیفه رضی الله عنه نماز و تر را (که در مذهبش قبل از نماز صبح ادا میشود) به نشانهء احترام بمقام بزرگی وعلمی امام ابوحنیفه بعد ازنماز خفتن ادا میکند و در باره اش میفرماید : « هر کسی که به طلب فقه بر آمده است از خوان علم ابوحنیفه بهره برده است و زنان مردی عاقلتر از ابوحنیفه را نزاده اند.

ولی اگراختلاف رنگ دیگری گرفت ودرجایی راه پیدا کرد که رجال سیاست در آن تجمع نموده بودند و نزاکتهایی هم در بین شان موجود بود ، با وصفی که طرز تفکری واحد و ارمان واحد و هدف واحد دارند نفس اماره بالسوء اختلاف را همراهی میکند و بر کل جزئیات جریان حاکم میگردد ...

از همین جاست که رقابتهای نا مشروع ، تك و دوهای نامشروع ، تلاشهای نامشروع وامکانات نا مشروع همه درمسیری به کار می افتند که اساس محبت ، اخوت روا داری و ایثار را منهدم سازند و مرض مهلك خود بزرگبینی راتبارز دهند .. مرحلهء دیگریکه این جریان در عقب خود دارد این است که قلمها کامره ها (اعم از عکاسی و تلویزیونی) توپها ، طیاره ها و تانکها با پیشقراولی سرمایه به نفع یك طرف توجیه آتش جنگ زبانه میکشد وخشك و تر را یکسان میسوزاند خون میریزد ، خانه ها ویران میشود ، امیدها به یاس مبدل میشود و کشوری که اداره اش مورد نزاع قرار گرفته به قبرستانی مبدل میگردد که نه تنها اجساد در آن دفن میشوند بلکه آرمانها را نیز در سینهء خود دفن می کند .

دشمنی که انتظار همین لحظات را داشت و تا دیروز هر دوطرف را دشمن خود قلمداد میکرد ،امروز بظاهر همدرد وغمخوار یك جهت می شود و ماشینهای تبلیغاتش را با استفاده از مواد سوخت اختلاف به حرکت در می آورد .

و سرانجام در صورت نابودی یك جهت .. آن قدر بحق یك طرف تبلیغ کرده میباشد که به عنوان دوست در پهلویش قرار بگیرد و در صورت مساعد شدن فرصت وی را هم سر می زند و خود بر قلمرو مسلمانان حکومت می راند .

افریقا وعفریت استعمار غرب...

کرده بودند ...

دیوانگان سرمایه و آقایی بعداز استعمال بمب آتوم برجاپان که جان صدها هزار انسان را گرفت بیشتر از پیش مصاب به مرض خود بزرگبینی ووسعت طلبی شدند و از همان زمان در فکر آقایی جهان شدند ... واضح است که نیرومند ها حملهء اول شان را بر افراد وجوامعی انجام میدهند که از لحاظ نظامی و دفاعی ضعیف باشند ، ازینرو امریکای جهانخوار به بهانه های گوناگون کشورهای افریقایی را زیر فشار گرفت و با گسیل نظامیان ،امضای قرارداد های تجارتی و معاهده های بین المللی به غارت ثروتهای آن قاره پرداخت ،حتی خاك مشبوع از طلای افریقای جنوبی را اجاره گرفت و به بهای بسیار ناچیز صد ها تن طلا را به امریکا انتقال داد...

اکنون نوبت صومالیا است زیرا نیروهای استعماری فرانسه، انگلستان و ایتالیا قبل از مداخلهء امریکا به صومالیا وضع را چنان عیار نموده اندکه امریکا با مقاومت بسیار ضعیف بعضی افسران نظامی مالك ذخایر سرشار و بزرگ طلای سیاه و طلای سرخ آن کشور شود .

مجله پرتیراژ امریکایی (کورت ایکشن کوارترلی COURT ACTION QUARTERLY) مینویسد:

« رئیس جمهور امریکا جورج بش بخاطری در صومالیا مداخلهء نظامی نمود تا در آن جا نهضت اسلامی را سرکوب کند صنعت نظامی امریکا را رشد بدهد و بازاری برایش تدارك بیند و بر ذخایر عظیم تیل آنکشور که از لحاظ جغرافیایی در نقطهء حساس و مفیدی قرار دارد دست یابد سازمان ملل را پیرامون محور افکار سیاسی اش بچرخاند و کانگرس امریکا را بر سر جایش بنشاند ، زیرا کانگرس امریکا مخالف مداخلهء نظامی امریکا در صومالیا بود .

مجلهء مذکور بعداز بیان علل و انگیزه های مداخلهء نظامی امریکا در صومالیا ، اضافه میکند که :

رئیس جمهور امریکا (بش) طی مداخلهء نظامی در صومالیا ، به دو طبقه یی از مردم در امریکا کمك کرد و در جهت حفظ منافع اقتصادی شان موثر ثابت شد ، یکی طبقه یی که به تولید و صنعت پطرول تعلق دارد و دیگر طبقه یی که به تولیدات نظامی ارتباط دارد ، دلچسپی بش با این دو طبقه رازی نیست که نزد مردم امریکا افشا نشده باشد اونه تنها نمایندهء آن دو طبقه بود بلکه ازجملهء آنها بود .

کسانی که با صنعت تیل سروکار دارند و متعلق به آن طبقه اند بخصوص کار شناسان و صنعتگران امریکایی از دیر زمانی به این سو میکوشند که بر ذخایر تیل صومالیا دست یابند ، زیرا منافع آنها دراین خطه بیشتراز مناطقی است که فعلا در آن کارمیکنند صومالیا و سودان در براعظم افریقا دو کشوری اند که بیشتر از مناطق دیگر دارای ذخایر تیل،سرشار از ذخایر تیل اند ، راپور بانك جهانی (WORLD BANK) این ادعای مارا تصدیق می کند زیرا کمپنی هایی که صنعت پترولیم را به پیش می برند ، به بلیونها دالر مقروض این بانك اند و قرضه های این بانك نشان میدهدکه همه و همه بخاطر سرمایه گذاری در جهت فعال ساختن دستگاه های استخراج تیل در صومالیا گرفته شده است ، اکنون کمپنی های مذکور میخواهند که در صومالیا حکومتی زمام امور را به دست گیرد که متصدی تأمین منافع آنها در جهت استخراج تیل در صومالیا باشد .. به عبارت دیگر آنها میخواهند درافریقا کویت دوم را تدارك کنند و یا آنها درتلاش شیخی و امیری اندکه بخاطر بقای حکومتش محتاج غرب و در رأس امریکا باشد و به عوض بقا و تأمین قدرت حکومتی اش منابع طبیعی صومالیا را دراختیار آنان قرار بدهد .

یکی از سفرای امریکایی به مسؤولان کمپنی (گلوب ... میل) تورنتوی امریکا گفت : کمپنی های پطرولیم در صومالیا خواهان قیام یك حکومت در آنکشور است زیرا تا وقتی که در آن کشور امنیت نباشد ووضع هم چنان دستخوش تشنجات منطقوی باشد ، آنها نمیتوانندکار استخراج تیل را آغاز کنند .!!

موقعیت جغرافیایی صومالیا نقطهء عطف دیگری است که توجهء امریکا را جلب نموده و به مداخلهء نظامی در آن پرداخته است در (بزبیرای) ایالات متحدهء امریکا بزرگترین ایستگاه فضایی وبحری افریقا قرار دارد این ایستگاه در جوار خلیج ملوان موقعیت دارد که میتوان ازهمین جا کشور های دارای ذخایر بزرگ تیل را که در شرق میانه قرار دارندکنترول نمود .

نیروهای استعماری،وحدت ملی و اعتقادی مردم صومالیه را مختل نموده و در عوض نظام قبایلی را در آن جا احیاء نمودند ولی با آن هم نهضت اسلامی موفق شد که این قبایل پراگنده فقر زده و بی سروسامان را نشاط تازهء وحدت فکری واعتقادی بدهد ، غول غرب از ترس این که احیا ورشد نهضت اسلامی در صومالیا برسر راه منافعش سد واقع خواهد شد بر صومالیا لشکر کشی نمود. عثمان حسن علی یکی از سران صنعت پطرولیم در صومالیا غرب را تنبیه کرد که اگر در صومالیا گرایشهای بنیاد گرایی اسلامی نیرومند شد و قدرتی زمام امور را به دست گرفت که مربوط به بنیادگرایی اسلامی است در حبشه و کینیا نیز این گرایش شدت می یابد ، لهذا اگر در صومالیا جلو آن گرفته شود کشور های دیگر از سیطرهء آن آزاد خواهند شد .

خلاصه این که فشردهء مداخلهء نظامی امریکا را میتوان در جملات آتی بر شمرد :

۱- کمپنی های استخراج پطرولیم در امریکا میخواهند در افریقا کویت دیگری را اساس گذارند .

۲- امریکا میخواهد نهضت اسلامی را در صومالیا خفه کند .

۳- بعداز استقرار نظامیان امریکا در صومالیا ، شرایط مداخله در کشورهای همسایهء صومالیا وکشورهای دیگرافریقایی مساعد تر می گردد .

٤- امریکا طرح نظام نوینش را هرچه سریعتر در قارهء افریقا پیاده میکند .

٥- طبق راپور موثق بانك جهانی ذخایر بزرگ تیل تجارتی در صومالیا و سودان وجود دارد . ..

دسرمقالې پاتې

افغانستان واگی په خپل لاس کی ونیول دځینو جوړوشوو و جوهاتو له امله په پوځی او سیاسی لحاظ زموږ هیواد په سمتی ژبنی او قومی توکو ویشل خو الحمدلله د مجاهدینو د درایت له مخی دا دسیسه ژر تر ژره خنثی شوه .

که د جلال آباد وروستی پوځی تحولاتوته وگورو په ډاگه کیږی چی د ا پیښه هم ددښمن یوه خطرناکه توطیه وه چی که چیری خدای مکړه هماغسی یی دوام موند لای وای زموږ اسلامی وحدت او آن ارضی تمایمت ته یی سخته دړکه ورکوله په دی توطیه کی دښمن له یوی سیمه ایزی پیښی نه بین الافغانی قضیه جوړوله او افغان مختلف قومیتونه یی یو بل پر ضد پارا وه په داسی حال کی چی که په افغانستان کی هر قوم اوسیږی په لومړی پړاوکی مسلمان او بیا افغان دی ددښمن هیڅ نیرنگ نشی کولای دا تشخص د افغانستان له مجاهد ملت څخه واخلی له نیکه مرغه زموږ مدبراسلامی قیادت د حالاتو دنزاکت له امله ژر تر ژره ددی اور د مړکولو لپاره اقدام وکړ او دسولی هیئتونو په لیږلو سره په دی بریالی شو چی هلته اوربند ټینگ کړی ، زموږ هیله داده چی زموږ جهادی تنظیمونه دغسی حساسو پیښو ته ژر تر ژره پاملرنه وکړی او پری نږدی چی ددوی د اختلاف نه په استفادی سره دښمن په خپلو ناولواو شومو اهدافو کی بریالی شی ... ستونځه هم همدلته ده چی زموږ جهادی قیادت د اختلافاتو په اورکی سوزی او کنه دښمن هیڅ کله جرئت نشی کولای چی دمجاهدینو په منځ کی د جگړی اور ژبغراندہ کولو لپاره فعالیت وکړی نه یواځی دا بلکی د ملت د حتمی برخلیك ټاکلو لپاره نور فرعی اختلافات او سلیقوی توپیرونه یوی خواته پریږدی او دالله جل جلاله کلمی لوړولو په خاطر دی غم ځپلی ملت ته یو بلا متنازع واحد قیات ورکړی ...

ته په کوز ټاکال ...

د خوارلس کلن جهاد په دوران کی د غرض او هوس خاوندان او هغه کسان چی د جهادی مشرانو په تر تلو او توهین کی له کمونستانو څخه که مخکی نه وو نو وروسته هم نه وو ، مگر هغوی په هماغه رذالت سره د تنظیمونو ډیر امکانات په واك کی درلودل او چی کله مجاهدین هیواد ته لاړل ، همدغه منفور کسان چی تا په لاس هم ورسره نه ورکاوه په افغانستان کی دملکیتونو خاوندان شول، خوته تر اوسه په کوز ټاکال کی ناست یی او هواگز وی .

ما ورته وویل : هلکه ! له حده تیری مکوه ! حق، حق دی او باطل ، باطل، دا به دی په تاریخ کی لوستی وی چی د حق پلویان ډیری ستونځی گالی، آن ځان ټولنی ته وقفوی ، ځان قربانی کوی چی د راتلونکو لپاره هوسا ټولنه جوړه کړی ، کمونستانو هم د ناولی سیاست په سیوری کی ډیرو شتمنو خاوندان شول خو ټولنه، تاریخ او حتی دوی په خپله ځان ملامتوی اوکله کله لعنت هم پرځان وایی او په ښکاره اعتراف کوی چی دوی هیواد او ملت ته خاینان وو .. خو سره له دی هم ددوی قدرت ، بد شهرت او شتمنی ددی سبب نه دی شوی چی دوی د ملت له قهر او غضبه وژغوری ، ژر او که ځنډ په دی عقیده دی چی یوه ورځ به حتما ددوی په اعمالو قضاوت کیږی اوخپل شوم انجام به په خپلو سترگو و گوری - هسی خو د قهار خدای له عذابه هیڅوك ځان نشی ژغورلای که په دنیا کی دی که په آخرت کی همدارنگه د هغو کسانو سرنوشت او برخلیك هم ویوله چی د جهادونو ، هجرتونو له پاکونو مونو څخه په بدی استفادی د نوم او حجری خاوندان شوی.

هره شپه پای لری او له هری تروږمی پسی رڼا یی ده

د حق او د عدالت لمر مخ په ختو دی او هیڅ خاین په دی رڼا کی د پټیدو هلی ځلی نشی کولای !

ده راته وویل : لوته ږده ځان پوری باسه .

ماورته وویل : د شهیدانو وینی ، د مظلومانو اوښکی او د بی وزلو آهونو داسی توپانی قلزم جوړ کړی چی لوټه څه کړی آن کشتی او گاډی ډوبوی...

دا چی ته سترگی نه لری او یابی وینی ځان ناگاره آچوی ... خدای دی بینا کړه او دهغه هدایت درته غواړم .

چندین کشور غربی با ایران روابط پنهانی دارند /جرمنی

یکی از مامورین بلند رتبه اداره، جاسوسی جرمنی ،کشورهای دیگر غربی را متهم کرده است که آنها با ایران روابط پنهانی دارند وی این اظهارات را در جواب اعتراضات امریکا و انگلیس بر ملاقات وی با رئیس اداره، جاسوسی ایران ، ابراز داشت .

وی از کشوری نام نبرد اما گفت که بسیاری از کشورها دروغ گفته اند و تلاش کرده اند که روابط و گفتگو های پنهانی خود با ایران را کتمان کنند .

د سوریې تر اخطار وروسته د امن خبرې اترې وځنډول شوې

پاکستان ورځپانه داکتوبر (۱۹):

د اسرائیلو د بهرنیو چارو وزارت د اعلان له مخې چې امریکا دوی ته ویلي چې د منځنۍ ختیځ امنیت راوستو په خاطر خبرو اترو بله دوره د نومبر میاشتې تر آخره وځنډوي.

ویل کیږي داخبرې اترې ددې لپاره ځنډول شوې چې سوريې اخطار ورکړی که اسرائیل مراعات ورکولو ته غاړه کې نږدې دوی به خبر اترو څخه لاس واخلي.

همدارنګه ویل کیږي چې د امریکا یواستازی په دې خاطر د منځنی ختیځ په دوره وتلی چې دا خبرې اترې یوې مثبتې نتیجې ته ورسوي هغه اوس په قاهره کې د حسني مبارك سره خبرې کوي .

په سروبي کې تراوربند وروسته آرامي ده

مینځګړو ډلو هڅې ګړندی کړي او دواړو خوا مولوی «حقاني » ته تحریري واك ورکړي .

کابل : د تلې ۲۷ د اتحاد اسلامی خبریال :

په سروبي کې تر پنځه ورځنی جګړې وروسته اوس اوربند نافذ شوی او دواړه خوا وی پردې راضي شوی چې دا مسئله د خبروله لارې حل کړي .

د نوموړی ښار څخه د اتحاد اسلامی خبریال خبر راکوی چې اوربند هغه وخت نافذ شو کله چې ددواړو خوا و څخه مینځګړو ډلو وغوښتل چې دا مسئله دخبرو له لارې حل کړي په مینځګړو ډلو کې د دولت یو با صلاحیته هیئت د حزب اسلامی یو هیئت او د جلال الدین حقاني په مشرۍ یو بل هیئت شامل دی ، اوس دواړو خوا و د خپلوغوښتنو اوورانديزونو سره سره مولوی جلال الدین حقاني ته تحریري واك ورکړی چې دا مسئله په منصفانه توګه حل کړي د احمد زیو مشران وایي باید ټول هغه اموال اووسایل چې د حاجی شمالي څخه اخیستل شوی شوراته وسپارل شي د ننګرهار په شورا کې دهغه دنده بیرته د هغه یو بل تن ته وسپاري او قاتلین یې محاکمه شي خو د ننګرهار شورا بیا تکرار وی چې موږ په دې لټه کې یو چې د هغه قاتلین پیدا کړو.

زموږ خبریال زیاتوی امید دی چې دواړه خوا وی د مینځګړو ډلو فیصلې ته غاړه کیږدي او که خدای مکړه دا لانجه دوام وکړي د نورو بدو عواقبو تر څنګ به کابل ښار د سختې اقتصادي محاصرې سره مخ کړي .

د افغانستان جمهور رئیس متحده عربی اماراتو ته ورسید

کابل : د تلې ۲۷ د اتحاد اسلامی خبریال :

د افغانستان جمهور رئیس استاد برهان الدین رباني چې عربی هیوادونو په دوره وتلی د کویت څخه متحده عربی اماراتو ته رارسیدلی .

د اتحاد اسلامی د خبریال د خبر له مخې جمهور رئیس استاد رباني په سعودی عربستان اوکویت کې د هغو هیوادونو له مشرانو سره تر خبرو اترو وروسته اوس په کویت کې د هغه هیواد له مشرانو سره پرخبرو اترو بوخت دی .

خبر زیاتوی استاد رباني ته په هوائي ډګر کې جمهور رئیس شیخ زاید بن سلطان هرکلی ووایه.

هند بعداز تخریب مسجد بابری زخمی دیگر بر قلب مسلمانان جهان بجا گذاشت

در کشمیر اشغالی قسمت زیادی از زیارت حضرت بل توسط عسـ هندی به آتش کشیده شد.

پاکستان ۱۹ اکتوبر

بعدا از آنکه عساکر هندی زیارت حضرت بل را به قصد تلاشی محاصره کردند با عکس العمل شدید مسلمانان منطقه و جهان مواجه شده اند .

به گزارش های آژانسهای خبری عساکر هندی در جریان محاصره از و حشی گری زیاد کار گرفته و به کس اجازه نمیدهند که به زیارت داخل شود ، در جریان محاصره، عساکر هندی تعدادی زیادی کشته وقسمت های زیادی از زیارت به آتش کشیده شده است .

خبر می افزاید مذاکرات که میان عساکر و افراد داخل زیارت و مجاهدین کشمیر جریان دارد تا حال به کدام نتیجه ای نه رسیده است ، عساکرهندی زیارت را بخاطرمحاصره نموده اند تا آن را تلاشی نمایند .

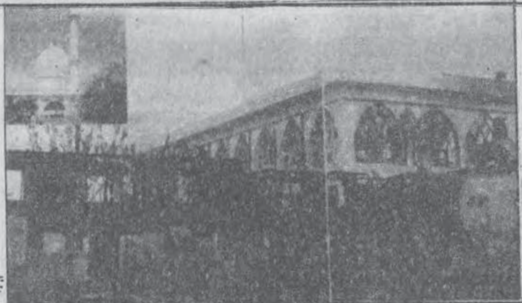

زیارت حضرت بل بعد از به آتش کشیده شدن توسط عساکر هندی

قابل یاد آوری است که مسلمانان جهان این عمل عساکر هندی را تقبیح نموده و در کشورها مختلفی راهپیمایی نمودند .

درامریکا بیست ملیون نفر گرسنه می خوابند

واشنگتن (ا ، پ ، س):

فقر و گرسنگی تنها کشورهای عقب مانده را به چنگ خود نگرفته است بلکه در ممالك پیشرفته نیز تعداد زیادی از مردم مجبور به گرسنه خوابیدن می شوند .

طبق یك سروی تازه در امریکا با وجود صعود آنکشور بر آخرین قله های ترقی و پیشرفت مادی ، هر شب بیست ملیون نفر گرسنه می خوابند ، در حالیکه شمار همه انهایی که در سراسر دنیا شب را گرسنه می خوابند هفتاد ملیون نفر است .

علت فقر روبه تزاید در امریکا یکی هم رکود اقتصادی در این کشور است. کارخانه های زیادی بعلت عدم موجودیت تقاضا برای تولیدات آن بسته شده و کارگران بسیار بیکار گردیده اند.

امریکا برای مقابله با این وضع باید بالای واردات از خارج تکس وضع نماید ولی در این کار نیز با مخالفت جاپان مواجه است

علی عبدالله صالح برای چهار سال بحیث رئیس جمهور یمن منتخب شد

صنعا (، ای ، ان آی) ۱۸ اکتوبر:

طبق اطلاعات واصله از صنعا پایتخت یمن،علی عبدالله صالح حیات برای چهار سال دیگر بحیث رئیس جمهور یمن منتخب شد . آژانس خبری صبا خبر میدهد که انتخاب رئیس جمهور طی جلسه انتخابی شورای صدارت به اتفاق آراء صورت گرفت البتهمعاون رئیس جمهور علی سالم قبل از دایر شدن شورای یمن انتخابات را تحریم کرده بود ، علی عبدالله صالح بعداز متحد شدن یمن شمالی و یمن جنوبی ۱۹۹۰ م تا حال بحیث رئیس جمهورکشور ایفای وظیفه مینماید .

هفته نامهء
اتحـــاد اســـلامی
بیانگـر آرمـان اتحـاد اسلامـی افغانسـتان
صـاحب امتیـاز: اتحـاد اسـلامی افغانسـتان
سـال تـأسیس: عقــرب ١٣٦٤ هـ ش
ناشر: بخش فرهنگی ریاست دعوت و ارشاد
آدرس: کابل . وزیر اکبر خان مینه . روبروی مسجد جامع
آدرس پستی درپشاور:
G.P.O. Box (786)
PESHAWAR - PAKISTAN